

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# اصطلاحات حقوقی به زبان ساده



مؤلفان:

دکتر قادر شنیور - دکتر علی اصغر دل زنده روی

وکالی پایه یک دادگستری و مدرسین دانشگاه

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	: شنیور، قادر، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: اصطلاحات حقوقی به زبان ساده / مولفان قادر شنیور ، علی اصغر دل زنده روی.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۴۱۰ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۹۱-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۴۰۹ - ۴۱۰.
موضوع	: حقوق -- اصطلاحها و تعبیرها Law -- Terminology
شناسه افزوده	: دلزنده روی، علی اصغر، ۱۳۶۵ -
رده بندی کنگره	: K۵۲
رده بندی دیویی	: ۳۴۰/۰۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۱۱۲۱۳۳
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیپا

نام کتاب	: اصطلاحات حقوقی به زبان ساده
ناشر	: چتر دانش
مؤلفان	: دکتر قادر شنیور - دکتر علی اصغر دل زنده روی
نوبت و سال چاپ	: اول - ۱۴۰۲
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۹۱-۰
قیمت	: ۲۵۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خ منبری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸  
تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳  
پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com  
کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

## سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرتعدادترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

**مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتر دانش**، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصفه‌ی ظهور برساند.

**فرزاد دانشور**

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

## فهرست

۸.....	مقدمه.....
۹.....	الف.....
۷۹.....	ب.....
۹۷.....	پ.....
۱۰۳.....	ت.....
۱۳۵.....	ث.....
۱۴۱.....	ج.....
۱۵۵.....	چ.....
۱۵۹.....	ح.....
۱۷۷.....	خ.....
۱۸۹.....	د.....
۲۰۷.....	ذ.....
۲۱۱.....	ر.....
۲۲۱.....	ز.....
۲۲۷.....	ژ.....
۲۳۱.....	س.....
۲۴۳.....	ش.....
۲۵۷.....	ص.....
۲۶۳.....	ض.....
۲۷۳.....	ط.....
۲۷۷.....	ظ.....
۲۸۱.....	ع.....
۲۹۵.....	غ.....

۳۰۳.....	ف
۳۱۱.....	ق
۳۲۵.....	ک
۳۳۳.....	گ
۳۳۹.....	ل
۳۴۵.....	م
۳۷۱.....	ن
۳۸۷.....	و
۳۹۹.....	هـ
۴۰۵.....	ی
۴۰۹.....	منابع و مأخذ

برای سوخته دل، بستر و مزار یکیت  
تفاوتی کند اشک و بغض و هتق هتق ما  
هنوز کرده می سهراب، سرخ مثل عشیق  
هنوز طغنه به جان میخورد زلیخا و  
هزار بار دلم سوخت در غمی مبهم  
حرام باشد اگر بی وضو بغل کیرم  
شب تریج به بر میکند شبی حلاج  
دو مصرع اند دو ابرو سگته نستعلیق  
به دست آنکه نوازش شدیم، تیج افتاد  
به دشنه کاری قلمم برس ادامه بده

ممشک ترش لب و تنگ زهرمار یکیت  
سیر چشمه و سیلاب و آبتار یکیت  
هنوز رسم پدر سوز روزگار یکیت  
هنوز بر در کنگان امیدوار یکیت  
دلیل سوختش هر هزار بار یکیت  
که قوس پیکره می برنو و دوتار یکیت  
شکایت از که کنیم ای رفیق؟! دار یکیت  
میان هر غزلی میت شاکار یکیت  
دلیل خون جگری من و انار یکیت!  
خلای هر دوی ما انتهای کار، یکی ست

حامد عسکری

تقدیم بہ ہم وطنان حق طلب و قانون مدار

## مقدمه

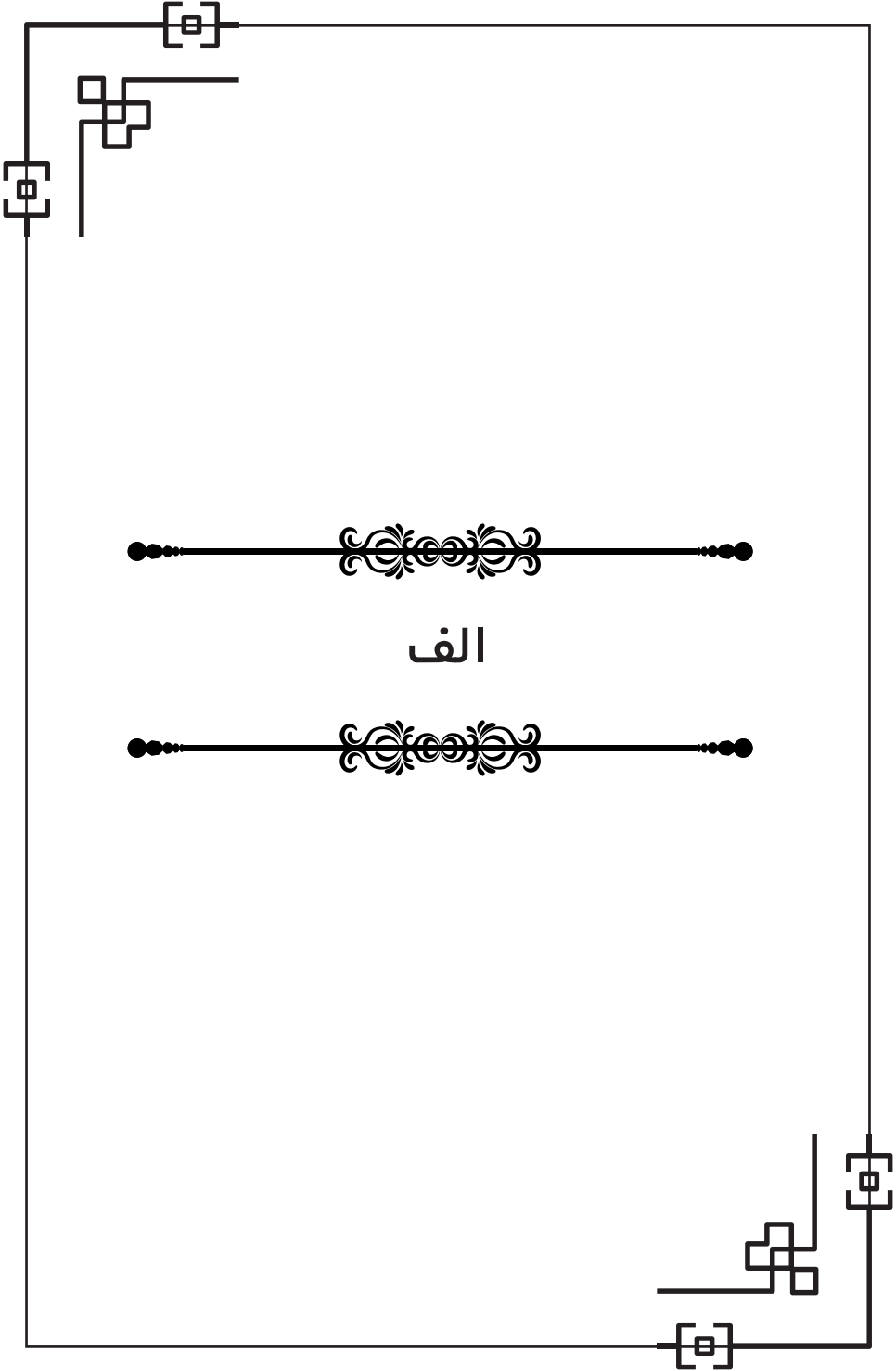
علم حقوق به‌مثابه رودخانه‌ای سیال تمام عرصه‌ها را در نوردیده است. در هیچ جامعه‌ای نمی‌توان مردم را از آگاهی نسبت به مفاهیم و اصطلاحات حقوقی بی‌نیاز دانست. این اصطلاحات دارای معانی فنی و بعضاً پیچیده‌ای هستند که عامه مردم برای فهم آن تا حدی دچار مشکل هستند. آن‌ها کتب و یا متون حقوقی را مشاهده و مطالعه می‌کنند و قادر به استنباط معانی آن نیستند، اصحاب دعوا (طرفین اختلاف یا پرونده) با آراء دادگاه‌هایی مواجه می‌شوند که توانایی فهم و درک مفاهیم و کلمات آن را نداشته و در برخی موارد، قدرت مالی، فرصت و امکان مراجعه به وکیل دادگستری را نیز ندارند. در چنین حالتی، آیا راهکاری دائمی برای حل این مشکل وجود دارد؟

بی‌گمان، کلمات و واژگان، خمیر مایه ادبیات حقوقی را تشکیل می‌دهند و نقش و جایگاهی والا در این حوزه دارند. تدوین و ارائه کتب اصطلاحات پرکاربرد و مهم حقوقی امری الزامی است. در حوزه مفهوم‌شناسی، کتب متعددی در بازار تحت عنوان ترمینولوژی حقوق یا اصطلاح‌شناسی، مفهوم‌شناسی و... موجود است. شکی نیست که این کتاب‌ها دارای ارزش و جایگاه والایی در حوزه مفهوم‌شناسی و آشنایی جامعه با واژگان و کلمات هستند. با این وجود، باید توجه داشت کتب مزبور به تبیین واژگان و کلماتی پرداخته که بیشتر در متون حقوقی، آثار نویسندگان و حقوق‌دانان مورد استفاده قرار می‌گیرند و عامه مردم از به‌کارگیری و استعمال این کلمات خودداری می‌کنند. این در حالی است که مردم به‌منظور آشنایی با مفاهیم حقوقی بعضاً به اینترنت مراجعه می‌کنند و در عمل با دشواری‌های فراوانی مواجه می‌شوند. آن‌ها نمی‌توانند معنی یا معانی واژگان حقوقی را به‌راحتی درک نمایند؛ در برخی موارد کلمات دارای معانی متعددی هستند و مخاطب به‌راحتی نمی‌تواند معنای واقعی آن را متوجه شود. این در حالی است که فقدان کتابی جامع در خصوص معانی اصطلاحات کاربردی حقوقی بیش‌ازپیش احساس می‌شود.

کتاب حاضر، کتابی است که به‌دنبال ارائه معانی اصطلاحات، واژگان و کلمات مهم و کاربردی حقوقی است. شکی نیست که این نوشتار عامه مردم را از مراجعه به وکلا، مشاوران حقوقی و... بی‌نیاز نمی‌کند، بلکه راهنمایی برای فهم و درک کلمات حقوقی و قانونی است.

دکتر قادر شنیور - دکتر علی اصغر دل‌زنده‌روی







## اِبَاحَه

به معنای مجاز بودن، روا بودن، عدم ممنوعیت.

## اِبَاحَةُ تَصْرَفٍ

به معنای آزادی تصرف و استفاده از مال.

## اِبْرَاء

اِبْرَاء به معنای صرف نظر کردن از طلب است. اِبْرَاء با رضایت و اراده طلبکار محقق می شود و رضایت بدهکار شرط نیست،<sup>۱</sup> مضافاً اِبْرَاء قابل بازگشت نیست. شخصی که ذمه دیگری را اِبْرَاء می کند، دیگر نمی تواند به وی رجوع نماید. در اِبْرَاء وجود دین شرط است. نمی توان ذمه بدهکار را از دینی که به وجود نیامده است، اِبْرَاء نمود. همچنین ضرورت تعیین دین امری اساسی است. طلبکار نمی تواند بدون تعیین دقیق دین، ذمه بدهکار را نسبت به یکی از دیون اِبْرَاء نماید. در قانون مدنی ایران اِبْرَاء یکی از اسباب سقوط تعهدات است (بند سوم ماده ۲۶۴ قانون مدنی). در خصوص اِبْرَاء، وجود اهلیت امری ضروری است، مضافاً هر نوع تعهد مالی می تواند مورد اِبْرَاء قرار گیرد. بنابراین در صورتی که شخصی مالی را غصب نماید، مکلف به پرداخت خسارت ناشی از استفاده مال به مالک است؛ مگر اینکه مالک آن مال ذمه وی را اِبْرَاء نماید (ماده ۳۲۲ قانون مدنی) همچنین امکان اِبْرَاء از دیه نیز وجود دارد (ماده ۵۴۲ قانون مجازات اسلامی). طلبکار می تواند ذمه ضامن را اِبْرَاء نماید (ماده ۷۱۹ قانون مدنی).

---

۱. در خصوص مفهوم و ماهیت اِبْرَاء رک دل زنده روی، علی اصغر (۱۴۰۰ هـ.ش)، حقوق قراردادها، انتشارات چتر دانش، چ اول، تهران، ص ۳۲۰ به بعد.

## ابراء مهَر

زن می‌تواند مهریه خود را به همسرش ببخشد، به چنین امری ابراء مهریه گفته می‌شود. اثر ابراء مهریه این است که زن دیگر نمی‌تواند حق خود مبنی بر مهریه را از همسرش مطالبه نماید. امکان اسقاط جزئی مهریه وجود دارد. زن می‌تواند بخشی از مهر خود را ابراء و اسقاط نماید. ابراء مهریه می‌بایست با توجه به قصد واقعی باشد. ابرائی که تحت تأثیر فشار و یا تهدید است، فاقد اثر قانونی است. ابراء مهریه از طرف همسر باید پس از عقد صورت گیرد. زن نمی‌تواند پیش از عقد و یا در ضمن آن مهریه خود را ساقط نماید.

## ابراز

به بیان نمودن یک مطلب یا یک امر ابراز گفته می‌شود. در برخی موارد، به امر یا دلیل یا مطلب ارائه شده امری ابرازی یا دلیلی ابرازی گفته می‌شود. ماده ۷۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری اصطلاح «دلیل ابرازی» را بیان نموده است. ماده ۲۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی اصطلاح سند ابرازی را بیان کرده است. ابراز کننده نیز کسی است که به مندرجات آن سند استناد می‌نماید (ماده ۱۳۰۲ قانون مدنی).

## ابرام

به تأیید رأی در دیوان عالی کشور ابرام گفته می‌شود. در مواردی که شخصی اقدام به اعتراض از رأی در دیوان عالی کشور می‌نماید. پرونده در دیوان مطرح می‌شود. دیوان عالی کشور می‌تواند اعتراض را رد کند (رأی دادگاه اولیه را ابرام نماید) یا اعتراض را وارد کند و پرونده را برای رسیدگی به دادگاه هم عرض ارسال نماید. ابرام آراء صرفاً منحصر به دیوان عالی کشور نیست بلکه در دیوان عدالت اداری نیز امکان ابرام رأی وجود دارد (ماده ۶۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان). در مواردی که دیوان عالی کشور رأی را مورد ابرام قرار می‌دهد، پرونده را به دادگاه صادر کننده آن ارجاع می‌دهد (ماده ۳۷۰ قانون آیین دادرسی مدنی).

## ابطال

درخواست اعلام بی‌اعتباری امری، اصطلاحاً ابطال نامیده می‌شود. توضیح اینکه در برخی موارد، به دلیل عدم رعایت شرایط قانونی، امری دارای اعتبار قانونی نیست؛ در چنین شرایطی، یکی از طرفین می‌تواند از دادگاه یا دیگر مراجع درخواست اعلام بطلان یا ابطال آن را نماید. مراجع قانونی یا قضایی در صورت احراز شرایط ابطال، حکم بر ابطال می‌دهند. این احتمال وجود دارد

مراجع قانونی و یا قضایی رأساً و بدون درخواست مردم مبادرت به ابطال امری نمایند. در متون قانونی، ابطال کاربردهای فراوانی دارد: هر شخص ذی‌نفعی می‌تواند درخواست ابطال مصوبات را از هیئت عمومی دیوان عدالت اداری نماید (ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری). شاکی می‌تواند دادخواست خود را از دیوان عدالت اداری پیش از پاسخ طرف مقابل مسترد نماید، دیوان در این حالت، مبادرت به صدور قرار ابطال دادخواست می‌کند (ماده ۴۵ همان قانون). در صورتی که هریک از طرفین اختلاف در دادگاه حاضر نشوند و دادگاه نتواند مبادرت به صدور رأی نماید، دادگاه دادخواست را ابطال خواهد نمود (ماده ۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی). در مواردی که خواهان تا اولین جلسه دادرسی دادخواست خود را مسترد کند، دادگاه قرار ابطال دادخواست را صادر می‌نماید (ماده ۱۰۷ همان قانون).

در امور کیفری امکان ابطال مدارک و مستندات طرفین وجود دارد. ابطال گذرنامه (موضوع ماده ۳۴ قانون مجازات اسلامی)؛ ابطال پروانه حمل و توقیف سلاح (موضوع ماده ۳۳ همان قانون) ابطال گواهی‌نامه (ماده ۳۱ قانون مجازات اسلامی). مواد مزبور در باب اعمال مجازات از طرف مراجع قضایی و قانونی صادر می‌شود؛ ابطال کارت بازرگانی (ماده ۶۹ قانون مبارزه و با قاچاق کالا و ارز) ابطال مجوز فعالیت عوامل تولید، توزیع و تکثیر دارندگان آثار سمعی و بصری غیرمجاز (ماده ۳ قانون امور سمعی و بصری).

### ابطال اجاره‌نامه

مراد از ابطال اجاره‌نامه، درخواست اعلام فقدان اثر قانونی قرارداد اجاره است. توضیح اینکه این احتمال وجود دارد که قرارداد اجاره فاقد آثار قانونی باشد؛ در این حالت، هر یک از طرفین می‌تواند از دادگاه درخواست ابطال آن را نماید. اثبات عدم رعایت شرایط قانونی قرارداد اجاره بر عهده متقاضی است. تا زمانی که دادگاه حکم بر ابطال قرارداد اجاره صادر نکرده است، این قرارداد دارای اعتبار قانونی است. ابطال قرارداد اجاره می‌تواند علل و عوامل متعددی داشته باشد: نبودن شرایط طرفین، فقدان شرایط قانونی قرارداد (مثلاً تعیین نکردن مدت زمان)، اعلام بی‌اعتباری قرارداد اجاره در منطقه خاصی از طرف مقامات دولتی و حکومتی و ... .

### ابطال اجرائیه

اجرائیه (برای آشنایی با مفهوم اجرائیه به آن مراجعه فرمایید) باید به‌نحو صحیح و قانونی صادر شود. در مواردی که حکم صادر شده است؛ ولی دادگاه اجرائیه را به‌نحو غیر صحیح صادر می‌نماید؛ شخص ذی‌نفع (کسی که از لحاظ حقوقی دارای نفع است) می‌تواند ابطال اجرائیه را

از دادگاه درخواست نماید (ماده ۱۱ قانون اجرای احکام مدنی). موارد ابطال اجرائیه را نمی‌توان احصاء نمود. در هر مرحله که صدور اجرائیه باطل باشد، عملیات اجرائی نیز اعتبار نخواهد داشت. برای روشن شدن این امر به ذکر مثالی می‌پردازیم. مثلاً محکوم‌له مبادرت به درخواست صدور اجرائیه می‌نماید. این در حالی است که حکم دادگاه قطعی نشده است و دادگاه اشتبهاً اجرائیه را صادر نموده است. محکوم‌علیه می‌تواند درخواست ابطال اجرائیه را نماید. در صورتی که محکوم‌له مالی را توقیف کرده باشد، محکوم‌علیه می‌تواند آن را از توقیف خارج سازد. دادگاه صادرکننده اجرائیه صلاحیت ابطال آن را دارد.

### ابطال دستور اجرای سند لازم اجرا

طبق ماده ۱ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت، هرکس دستور اجرای اسناد رسمی را مخالف با مفاد سند یا مخالف قانون دانسته یا از جهت دیگری از دستور اجرای سند رسمی شکایت داشته باشد، می‌تواند به ترتیب مقرر در آیین دادرسی مدنی اقامه دعوی نماید.

### ابطال رأی داور

اعتراض به رأی داور در قالب ابطال رأی داور انجام می‌شود. توضیح اینکه پس از اینکه داور اقدام به رسیدگی و صدور رأی نمود، محکوم‌علیه (شخصی که رأی به ضرر آن صادر شده است) می‌تواند از دادگاه ابطال رأی داور را درخواست نماید. درخواست مزبور باید ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ رأی داور انجام شود؛ در غیر این صورت، دادگاه اعتراض را رد می‌نماید. اعتراض به رأی داور، مانع توقیف آن نیست؛ مگر اینکه اعتراض‌کننده به دلیلی قوی استناد نماید و چنین امری موجب قناعت وجدان قاضی شود. در این حالت، دادگاه می‌تواند با گرفتن تأمین (مثلاً پرداخت وجهی به حساب صندوق دادگستری) موقتاً اجرای رأی داور را به تأخیر بیندازد. ابطال رأی داور باید با استناد به مواردی تحت عنوان جهات ابطال رأی داور صورت گیرد. موارد ابطال رأی داور طبق ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی عبارت‌اند از: «رأی داور در موارد زیر باطل است و قابلیت اجرایی ندارد:

۱. رأی صادره مخالف با قوانین موجد حق باشد؛
۲. داور نسبت به مطلبی که موضوع داوری نبوده رأی صادر کرده است؛
۳. داور خارج از حدود اختیار خود رأی صادر نموده باشد. در این صورت، فقط آن قسمت از رأی که خارج از اختیارات داور است ابطال می‌گردد؛
۴. رأی داور پس از انقضای مدت داوری صادر و تسلیم شده باشد؛

۵. رأی داور با آنچه در دفتر املاک یا بین اصحاب دعوا در دفتر اسناد رسمی ثبت شده و دارای اعتبار قانونی است مخالف باشد؛
۶. رأی به وسیلهٔ داورانی صادر شده که مجاز به صدور رأی نبوده‌اند؛
۷. قرارداد رجوع به داوری بی اعتبار بوده باشد».

## ابطال قرارداد

ابطال قرارداد به معنای عدم اعتبار حقوقی آن است. وضعیتی است که به موجب آن یکی از طرفین قرارداد از دادگاه تقاضای اعلام بطلان قرارداد را می‌نماید. قراردادی که میان طرفین بسته می‌شود؛ تا زمانی که به موجب حکم دادگاه، ابطال آن اعلام نشده است، دارای آثار قانونی است و پس از اعلام بطلان از طرف دادگاه بی اثر خواهد شد. دادگاه به صورت خودجوش حکم بر بطلان قرارداد صادر نمی‌کند بلکه یکی از طرفین باید از دادگاه چنین تقاضایی را نمایند. بطلان قرارداد می‌تواند علل و عوامل متعددی داشته باشد؛ گاه بطلان قرارداد به دلیل عدم رعایت شرایط قانونی و گاه به دلیل فقدان اهلیت است. در هر صورت، دادگاه پس از احراز جهات بطلان قرارداد، حکم بر بطلان آن صادر می‌نماید.

## ابطال گواهی‌نامه راندگی

اعلام بی اعتباری گواهی‌نامه از طریق ابطال آن انجام می‌شود. در مادهٔ ۷ قانون رسیدگی به تخلفات راندگی می‌خوانیم: «مأموران مذکور در مادهٔ (۲) این قانون در حدود وظایف و اختیارات تعیین شده همزمان با صدور قبض جرمه به صورت تسلیمی یا ثبت توسط دوربین، گزارش تخلفات مندرج در جدول ذیل این ماده را با ذکر شماره و نوع گواهی‌نامه راننده به اداره راهنمایی و راندگی مربوطه ارسال می‌دارند. ادارهٔ مزبور متناسب با نمرات منفی مندرج در جدول مذکور به شرح زیر با آنان رفتار می‌نماید:

۱. چنانچه متخلف دارای (۳۰) نمرهٔ منفی باشد، گواهی‌نامه او به مدت سه ماه ضبط و در پایان مدت مزبور با پرداخت شش صد هزار (۶۰۰/۰۰۰) ریال جریمهٔ نقدی به نفع خزانهٔ عمومی مسترد می‌شود.
۲. پس از اعمال مقررات موضوع بند (۱) چنانچه در اثر ارتکاب تخلفات جدید (۲۵) نمرهٔ منفی به متخلف تعلق گیرد، گواهی‌نامه او به مدت شش ماه ضبط و پس از انقضای مدت مزبور و پرداخت نهصد هزار (۹۰۰/۰۰۰) ریال به نفع خزانه عمومی مسترد می‌گردد.

۳. هرگاه پس از اعمال مقررات بند (۲) در اثر ارتکاب تخلفات جدید بیست نمره منفی به متخلف تعلق گیرد، گواهینامه او ابطال می‌گردد و بعد از یک سال می‌تواند برابر مقررات و پس از طی دوره آموزشی و پرداخت یک میلیون و پانصد هزار (۵۰۰/۰۰۰) ریال به نفع خزانه عمومی گواهینامه جدید اخذ نماید».

## آبعد

ابعد به معنای دور یا دورتر است. این کلمه در مواردی استعمال می‌شود که قانون‌گذار در صدد بیان فاصله و جدایی میان دو امر یا دو چیز باشد. این کلمه در قانون مدنی در مباحث ارث استفاده شده است: ماده ۸۸۹ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «أقرب به میت، أبعد را از ارث محروم می‌کند؛ منظور این است که اشخاصی که رابطه خویشاوندی نزدیک‌تری با متوفی دارند، موجب محرومیت اشخاصی می‌شوند که رابطه خویشاوندی دورتری با وی دارند (همچنین ر.ک: مواد ۸۸۹ و ۹۱۲ قانون مدنی).

## ابلاغ

ابلاغ به معنی وصول نمودن امری یا به اطلاع رساندن امور قانونی و حقوقی به دیگری است. در مواردی که امری از طریق قانونی به اطلاع شخصی می‌رسد و یا وی آن را دریافت می‌نماید، ابلاغ تحقق یافته است. در این حالت، وی از مفاد آن آگاهی دارد (ابلاغ واقعی) و یا می‌بایست آگاهی داشته باشد (ابلاغ قانونی).

در برخی موارد ابلاغ یک مسئله به یک فرد برای انجام اقدامات بعدی قانونی ضروری است و از تاریخ ابلاغ آن مسئله به وی، امکان اتخاذ اقدامات قانونی بعدی وجود دارد. امکان تشکیل پرونده اجرائی در دادگاه‌ها تنها پس از ده روز از تاریخ ابلاغ اجرائیه امکان‌پذیر است. رأی داور صرفاً پس از گذشت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل اجرا خواهد بود (ماده ۴۸۸ قانون آیین دادرسی مدنی). دادنامه دادگاه تجدیدنظر باید به طرفین ابلاغ شود (ماده ۳۶۱ همان قانون). مصوبات مجلس باید به اطلاع رئیس‌جمهور برسد و به وی ابلاغ شود (ماده ۱ قانون مدنی).

## ابلاغ اوراق قضایی

مراد از ابلاغ اوراق قضایی، ارسال و به اطلاع رساندن اخطاریه، اجرائیه، رأی دادگاه و هر نوع درخواست قانونی از طریق دادگاه یا مراجع قانونی به طرفین اختلاف یا هردوی آنها است. از منظر قانونی، ارسال مدارک مزبور به مخاطب آنها (برای انجام دیگر مراحل قانونی) الزامی است. در برخی موارد، چنین مواردی رأساً به دست دادگاه انجام می‌شود و در پاره‌ای از موارد، طرفین دعوا باید آن را درخواست نمایند.



## ابلاغ (ابلاغ قانونی و ابلاغ واقعی)

آگاه نمودن اشخاص از تصمیم و آراء مراجع ابلاغ نامیده می‌شود.

### ابنیه

ابنیه به معنای بناها و ساختمان است. از منظر قانونی، ابنیه از مصادیق اموال غیرمنقول هستند (ماده ۱۳ قانونی مدنی)؛ ابنیه و عمارات دولتی و عمومی قابل تملک خصوصی نیست (ماده ۲۶ قانون مدنی). در قوانین جزایی تخریب بناهای سازمان میراث فرهنگی و آثار ملی جرم و قابل مجازات است (ماده ۵۶۴ قانون مجازات اسلامی) همچنین تغییر در ابنیه و اماکن و محوطه‌های مذهبی باید صرفاً از طریق مجوز سازمان میراث فرهنگی انجام شود، احداث هرگونه تغییر بدون مجوز مزبور جرم و قابل مجازات می‌باشد.

### آبوی

به معنای پدری یا خویشاوندان پدری است.

### آبوینی

آبوینی به معنای پدری و مادری است. مراد اشخاصی است که رابطه خویشاوندی آن‌ها با یکدیگر از طریق پدر و مادر است. به برادر و خواهرانی که از طریق پدر و مادر با یکدیگر رابطه خویشاوندی دارند، کلاله آبوینی و یا اخوه آبوینی گفته می‌شود. اصطلاح مزبور، بیشتر در مبحث ارث استفاده می‌شود. خویشاوندان آبوینی (پدری و مادری) همواره خویشاوندان ابی (پدری) را از ارث محروم می‌نمایند (ماده ۹۱۸ قانون مدنی).

### آبی

به معنای پدری است.

### اتباع بیگانه

به معنای اشخاصی است که تابعیت کشور ایران را ندارد. اتباع ایرانی در ماده ۹۷۶ قانون مدنی ذکر شده‌اند. هر شخصی غیر از این افراد، تبعه بیگانه محسوب می‌شود.

### اتفاق آراء

موافق تمامی اشخاص (اشخاصی که می‌توانند نظر خویش را اعلام نمایند).

## اتلاف

اتلاف به معنای از بین بردن و زدودن است. در مباحث قانونی، اتلاف موجب مسئولیت مدنی و کیفری می‌شود. اتلاف ناظر به حالتی است که شخصی به نحو غیرقانونی اموال یا منافع متعلق به دیگری را زایل می‌کند. در قانون مدنی اتلاف از اسباب ایجاد مسئولیت است (ماده ۳۰۷ قانون مدنی).

در اتلاف از میان بردن مال یا منافع دیگران مستقیماً و بلاواسطه انجام می‌شود. در این خصوص، تفاوتی نمی‌کند که فاعل دارای تقصیر یا فاقد آن باشد (ماده ۳۰۹ قانون مدنی).<sup>۱</sup> تلف شدن را باید از اتلاف تفکیک و تمیز کرد؛ در اتلاف، فاعل عمداً و با قصد و نیت مبادرت به تخریب و زدودن مال یا عضو دیگری می‌کند؛ این در حالی است که تلف شدن، ناظر به فرضی است که مال یا عضو خودبه‌خود زایل و از میان می‌رود.

متضرر می‌تواند از دادگاه خسارت مربوط به اتلاف را مطالبه نماید (ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی). در خصوص خسارت‌های اتلاف مال، عاقله مسئولیت ندارد (ماده ۴۶۶ قانون مجازات اسلامی)؛ از بین بردن و اتلاف اسناد دولتی و غیردولتی جرم است (ماده ۶۸۲ قانون مجازات اسلامی)؛ غارت و اتلاف اموال به‌دست افراد بیش از سه نفر می‌تواند از مصادیق محاربه تلقی شود (ماده ۶۸۳ قانون مجازات اسلامی).

## اتهام

اظهارت و اقوالی است که به موجب آن شخصی ارتکاب جرمی را به دیگری نسبت می‌دهد.

## اتیان

به معنای بیان نمودن.

## اتیان سوگند

قسم خوردن.

## آثا

لوازم.

۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷ ه.ش)، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، تهران، انتشارات میزان، چ ۱۷، ص ۲۶۷.

## اثاث البیت

لوازم، تجهیزات و وسایلی که برای زندگی مشترک لازم و ضروری است؛ اثاث البیت نامیده می‌شود. مراد از بیت، منزل و خانه است. اثاث هم به معنای لوازم و تجهیزات است. شناسایی این لوازم، جنبه عرفی دارد و با توجه به شرایط، اوضاع و احوال متفاوت است. از جامعه‌ای به جامعه دیگری مختلف است. در زندگی مشترک زناشویی، مرد مکلف به فراهم نمودن اثاث البیت است. در شناسایی مصادیق آن از عرف عامه مردم استفاده می‌شود. ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی اثاث البیت را از مصادیق نفقه می‌داند و آن را بر عهده مرد قرار می‌دهد. در مواردی که زن مواردی را تحت اثاث البیت به مسکن مشترک آورده باشد؛ در صورت طلاق و جدایی، وی می‌تواند آن‌ها را مطالبه نماید.

## اثبات

شناسایی نمودن حق.

## اثبات حق

شناسایی و رسمیت حق، رسمی نمودن حق در مراجع قانونی.

## اثبات مالکیت

حق مالکیت خویش را به رسمیت شناساندن.

## اثبات نسب

اثبات نسب وضعیتی است که به موجب آن یکی از طرفین از دادگاه درخواست انتساب نسب خود به نسب شخصی معینی را می‌دهد. به عبارت دیگر، درخواست اثبات نسب، درخواستی است که یکی از طرفین مدعی رابطه خویشاوندی با شخصی دیگر می‌شود و از دادگاه تقاضای حکم بر اثبات چنین نسبی بدهد. دادگاه در صورت احراز چنین رابطه‌ای، حکم بر اثبات آن می‌دهد. طبق ماده ۴ قانون حمایت خانواده دعاوی مربوط به نسب در صلاحیت دادگاه خانواده قرار دارد.

## اجاره

قراردادی است که به موجب آن یکی از طرفین منافع مالی را در برابر دریافت مبلغی تحت عنوان اجاره‌بها به دیگری برای مدت معینی منتقل می‌کند. شخصی که از منافع آن مال بهره‌مند می‌شود؛ مستأجر گفته می‌شود و شخصی که منافع را به دیگری منتقل می‌کند؛ مالک گفته

می‌شود. قرارداد اجاره از قراردادهای لازم است. این قرارداد به فوت و حجر طرفین قرارداد منحل نمی‌شود و هیچ یک از آن‌ها نمی‌توانند آن را بر هم بزنند؛ مگر اینکه در قرارداد شرط خیار فسخ ذکر شده باشد. در این حالت، آن‌ها می‌توانند با اتکا و استناد به خیار آن را بر هم بزنند. قرارداد اجاره از قراردادهای مستمر است و تعهدات طرفین در بازه زمانی خاصی اجرا می‌شود. در قانون مدنی قرارداد اجاره بر سه قسم اجاره اعیان؛ اشخاص و حیوانات است. در قرارداد اجاره، لزوم ذکر مدت، امری اساسی است و عدم ذکر آن در قرارداد، از اسباب بطلان قرارداد است.

### اجاره به شرط تملیک

نوعی قرارداد اجاره است که در پایان قرارداد مستأجر مالک مورد اجاره می‌شود.

### اجاره‌بها

اجاره‌بها، مبلغی است که مستأجر به مالک در قرارداد اجاره پرداخت می‌نماید. اجاره‌بها می‌تواند سالیانه، ماهیانه، روزانه و... باشد. در اصلاح عامیانه به اجاره‌بها، کرایه گفته می‌شود. اجاره‌بها حداقل و حداکثری ندارد؛ ولی باید به مبلغی متعارف و منطقی باشد. در مواردی که طرفین در خصوص موعد پرداخت اجاره‌بها توافق نکنند، پرداخت به صورت نقدی خواهد بود (بند ۳ ماده ۴۹۰ قانون مدنی). مبلغ اجاره‌بها باید معلوم و مشخص باشد؛ طرفین نمی‌توانند بر مبلغی نامعین و مجهول توافق کنند.

### اجاره‌نامه‌چه

همان اجاره‌نامه است.

### اجاره‌نامه

قراردادی است که مفاد اجاره در آن منعکس می‌شود.

### اجاره‌نامه رسمی

اجاره‌نامه است که در دفترخانه تنظیم‌کننده سند رسمی منعقد می‌شود.

### اجاره‌نامه عادی

قرارداد عادی اجاره میان مالک و مستأجر. قرارداد اجاره‌ای که فاقد شرایطی رسمی باشد.

## اجازه

اعلام رضایت برای انجام یک عمل. اجازه قبل از انجام یک عمل است و اذن بعد از انجام آن.

## اجبار

وآدار نمودن یک نفر به انجام عملی بدون رضایت وی اجبار است. در صورتی که اجبار خارج از چارچوب قانون باشد، مورد حمایت قرار نمی‌گیرد. در واقع، اجبار بر دو قسم است: اجبار قانونی و اجبار غیرقانونی. در اجبار قانونی، شخصی با اتکا به قانون، دیگری را مجبور به انجام عملی می‌نماید؛ همانند فرضی که شخصی متعهد به احداث ساختمانی طبق قراردادی می‌شود و در موعد مقرر از اجرای تعهدات خودداری می‌کند. در این حالت، طرف دیگر می‌تواند به دادگاه مراجعه نماید و وی را مجبور به اجرای تعهد کند. اجبار غیرقانونی، تحت عنوان اکراه تبیین و تحلیل می‌شود و مورد حمایت قانون‌گذار قرار نمی‌گیرد. به‌طور مثال، هیچ یک از طرفین نمی‌تواند دیگری را مجبور به بستن قرارداد نماید و یا هیچ یک از طرفین نمی‌تواند از دیگری بخواهد که مرتکب جرمی شود و... طبق ماده ۶ قانون کار، مجبور نمودن افراد به بهره‌کشی برای انجام کار معین ممنوع است. مضافاً طبق ماده ۱۷۲ قانون کار انجام دادن کار اجباری به هرشکلی ممنوع است. مجبور نمودن افراد به عضویت در تشکل‌های کارگری ممنوع است. هیچ‌یک از شرکا حق ندارد دیگری را مجبور به تعمیر دیوار مشترک کند؛ مگر اینکه دفع ضرر به‌نحو دیگری ممکن نباشد (ماده ۱۱۴ قانون مدنی). اقراری که تحت‌تأثیر شکنجه یا اجبار باشد، فاقد آثار قانونی است (ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی) در مواردی که در ضمن قراردادی شرطی به‌نفع یکی از طرفین قرارداد شده باشد و متعهد از اجرای تعهد خودداری کند، طرف دیگری می‌تواند به دادگاه مراجعه کند و اجبار را از دادگاه درخواست کند (ماده ۲۷۳ قانون مدنی). بنابراین ملاحظه می‌شود اجبار به انجام عملی صرفاً هنگامی امکان‌پذیر است که قانون‌گذار چنین اختیاری را داده باشد. دادگاه نیز در مواردی می‌تواند شخصی را مجبور به انجام عملی نماید؛ همانند اقامت اجباری در محل معین (موضوع بند الف ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی). اجبار نمودن شخصی به انجام دادن عملی نه‌تنها موجب مسئولیت مدنی می‌شود؛ بلکه می‌تواند اسباب مسئولیت کیفری را هم فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، مجبور نمودن شخصی به انجام دادن عمل می‌تواند جرم تلقی شود؛ همانند مجبور نمودن نیروهای مسلح به فرار، تسلیم و... (ماده ۲۳ قانون جرائم نیروهای مسلح).

## اجبار به اجرای تعهد

در مواردی که شخصی متعهد به اجرای تعهدی می‌شود؛ اصولاً مکلف به اجرای تعهداتش در چارچوب قرارداد است. وی نمی‌تواند از ایفای تعهدات خودداری کند. چنین عملی اسباب مسئولیت وی را فراهم می‌کند. متعهدله (کسی که تعهد به نفع وی شده است). در صورت خودداری طرف دیگر به انجام تعهد، می‌تواند به دادگاه مراجعه کند و اجبار به اجرای تعهد را از آن بخواهد. دادگاه حکم به اجبار طرف دیگر به انجام دادن تعهد خواهد داد. در صورتی که طرف دیگر، (علی‌رغم حکم دادگاه) از اجرای تعهدات قراردادی خودداری کند. متعهدله می‌تواند اجرای تعهد را با هزینه‌های خود انجام دهد و متعاقباً هزینه‌های مزبور را از دادگاه مطالبه کند. در مواردی که اجرای تعهد، صرفاً توسط متعهد امکان‌پذیر است. متعهد له می‌تواند انجام تعهد را از وی درخواست کند (ماده ۲۷۳ قانون مدنی).

## اجتماع

یگانگی، اتحاد، یکی شدن.

## اجتهاد

توانایی استنباط و فهم احکام مذهبی و دینی.

## اجداد

به‌معنای پدر پدران، این اصطلاح بیشتر در مبحث ارث استفاده می‌شود.

## اجرای تصمیمات قضایی

اعمال مفاد آرای دادگاه‌ها و مراجع قضایی، اجرای حکم دادگاه.

## اجرای ثبت

درخواست اجرای مفاد اسناد رسمی از طریق اجرای ثبت انجام می‌شود.

## اجرای حکم

اجرای مفاد رأی دادگاه به‌وسیله مراجع قضایی اصطلاحاً اجرای حکم نامیده می‌شود. در دادگستری‌ها واحدی تحت عنوان اجرای احکام دادگستری وجود دارد که وظیفه اجرای حکم را بر عهده دارد؛ در امور کیفری، اجرای احکام خودبه‌خود و بدون تقاضای محکوم‌له انجام می‌شود؛ ولی در امور حقوقی، اجرای احکام مستلزم تقاضای محکوم‌له (کسی که رأی به‌نفع وی صادر شده

است) می‌باشد. اجرای احکام حق تغییر مفاد حکم دادگاه‌ها را ندارد. آن‌ها باید صرفاً رأی دادگاه را اجرا نمایند. اجرای حکم نیز متوقف نمی‌شود مگر اینکه دادگاه صادرکننده و یا مرجع قضایی دیگری دستور توقف اجرای حکم را دهد. چنانچه در خصوص رأی دادگاه ابهام و یا اجمالی وجود داشته باشد، دادگاه صادرکننده آن مکلف به بر طرف نمودن ابهام مزبور است و اجرای احکام حق نظردادن در این خصوص را ندارد. در امور کیفری اجرای احکام با دادسرا است و در امور حقوقی، اجرای احکام با دادگاه بدوی است. دیوان عدالت اداری نیز دارای واحدی تحت عنوان اجرای احکام است.

### اجرائیه

اجرائیه برگه‌ای است که بنا به درخواست محکوم‌له (شخصی که رأی دادگاه به نفع وی صادر شده است)، صادر می‌شود. توضیح اینکه در صورتی که محکوم‌علیه (شخصی که رأی دادگاه به ضرر وی است)، مفاد رأی دادگاه را اجرا نکند؛ طرف دیگر می‌تواند به دادگاه مراجعه کند و تقاضای صدور اجرائیه را نماید.

### اجرت

مبلغی است که از طرف کارفرما یا موجر به طرف مقابل (کارگر، اجیر و...) پرداخت می‌شود. در خصوص آن، حداقل و حداکثری وجود ندارد؛ لیکن در قانون کار اجرتی که به کارگر پرداخت می‌شود، نباید کمتر از حداقل تعیین شده قانونی باشد. اجرت را باید از اجرت‌المثل تفکیک نمود، اجرت معمولاً ریشه قراردادی دارد؛ لیکن اجرت‌المثل از طرف کارشناس تعیین می‌شود.

### اجرت‌المثل

در مواردی که شخصی بدون اذن یا اجازه یا بدون حق قانونی از مالی استفاده می‌نماید؛ قانوناً مکلف به پرداخت مبلغی تحت عنوان اجرت‌المثل به طرف مقابل است. این مبلغ را کارشناس تعیین می‌نماید. مبنای اجرت‌المثل استفاده ناروای یک نفر از عمل یا کار دیگری است. برای روشن شدن این امر به ذکر مثالی می‌پردازیم. فرض کنید شخصی مال دیگری را مورد غضب قرار می‌دهد. دادگاه حکم به رد مال به مالک آن می‌نماید. چنانچه مالک خسارت را مطالبه نماید، دادگاه حکم به پرداخت اجرت‌المثل به مالک می‌دهد. صدور حکم مزبور، منوط به مطالبه مالک آن است. نحوه محاسبه اجرت‌المثل نیز بدین صورت است که اجاره‌بهای عرفی آن مورد محاسبه قرار می‌گیرد.

## اجرت‌المثل ایام تصرف

خساراتی است که شخصی برای استفاده غیرقانونی از مالی می‌بایست پرداخت نماید.

### اجرت‌المسمی

مبلغی است که طرفین در قرارداد بر آن توافق دارند. به‌طور معمول، این مبلغ مربوط به قراردادهایی است که یکی از طرفین متعهد به انجام دادن عملی معین می‌شود؛ پس از پایان عمل، این مبلغ به متعهد پرداخت می‌شود. منظور از المسمی، مبلغی توافقی است که نام و اسم آن در قرارداد ذکر شده است و طرفین بر آن توافق دارند. در صورتی که طرفین قرارداد، بر اجرتی خاصی توافق نموده باشند و متعهد به تعهدات قانونی عمل کرده باشد؛ متعهدله مکلف است مبلغ مزبور را بپردازد. در غیر این صورت، متعهد می‌تواند به دادگاه مراجعه و الزام متعهدله را به اجرای تعهد درخواست نماید. دادگاه حکم به پرداخت اجرت‌المسمی می‌دهد و هیچ‌گاه پرونده را به کارشناس برای محاسبه اجرت ارجاع نمی‌دهد (ماده ۵۶۶ قانون مدنی). طبق ماده ۳۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی تغییر خواسته از اجرت‌المثل به اجرت‌المسمی در مرحله تجدیدنظر ادعای جدید محسوب نمی‌شود و قابل طرح است. همچنین طبق ماده ۶ قانون روابط موجر و مستأجر سال ۱۳۵۶، مستأجر مکلف به پرداخت اجرت‌المسمی به مالک است.

### اجل

اجل، به معنی مدت است. امری که در خصوص آن مدت تعیین شده باشد؛ امر مؤجل خواهد بود. مدت زمانی است که یکی از طرفین متعهد به انجام عملی می‌شود. انجام دادن تعهد در بازه زمانی موردنظر اصولاً مورد پذیرش است؛ بر عکس، عدم انجام تعهد در خارج از مدت زمان مزبور نمی‌تواند مورد پذیرش باشد، مگر با اثبات عذر موجه (مثلاً وقوع فورس ماژور). انجام دادن تعهد زودتر از موعد مقرر نیز نمی‌تواند مورد پذیرش و حمایت قانون‌گذار قرار بگیرد. در مواردی که در خصوص فوری یا مؤجل بودن امری تردید حاصل شود؛ اصل بر فوری بودن آن و عدم ذکر اجل است. طرفین می‌توانند با توافق یکدیگر، امری فوری را به امری مؤجل تبدیل نمایند (ماده ۲۷۳ قانون مدنی) طرفین قرارداد می‌توانند اجلی را برای تحویل کالا یا پرداخت قیمت تعیین کنند (ماده ۳۶۳ قانون مدنی). در قرارداد قرض، پرداخت اقساط می‌تواند مؤجل باشد (ماده ۶۵۱ قانون مدنی) ضامن پیش از فرا رسیدن اجل، التزامی به پرداخت دین ندارد (ماده ۴۰۵ قانون تجارت).



## اجماع

اتفاق نظر، اتحاد آراء.

## اجور

مبلغی است که مستأجر به مالک می‌پردازد.

## اجیر

شخصی است که بر طبق توافق متعهد به انجام عملی شده است.

## احاله

احاله وضعیتی است که تعیین تکلیف در خصوص امری به امر دیگری محول می‌شود. در متون قانونی، احاله تقریباً به همین معنا استفاده شده است. در قانون مدنی احاله در موردی استفاده می‌شود که قانون خارجی به‌عنوان قانون حاکم بر دعوا تعیین شده باشد؛ ولی قاضی ایرانی در هنگام مراجعه به قانون مزبور به احاله آن به قانون دیگر مواجه شود. توضیح اینکه این احتمال وجود دارد که قانون حاکم بر اختلاف، قانون خارجی باشد؛ ولی قانون مزبور به قانون کشور دیگری ارجاع یا احاله داده باشد؛ در این حالت، قاضی ایرانی مکلف به پذیرش احاله نیست (ماده ۹۷۳ قانون مدنی). احاله می‌تواند به‌معنای ارجاع دادن نیز باشد. به‌طور مثال بر طبق ماده ۸ قانون داوری تجاری بین‌المللی در صورتی که دادگاه رسیدگی کننده به دعوا با موافقت‌نامه داوری مواجه شود؛ دادگاه مکلف است با درخواست یکی از طرفین دعوا تا پایان جلسه اول، پرونده را به داوری احاله دهد. در امور کیفری، ارجاع پرونده از یک حوزه قضایی به حوزه قضایی دیگری، احاله نامیده می‌شود (ماده ۴۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری). در قانون آیین دادرسی کیفری موارد احاله قابل تعیین است:

الف) متهم یا بیشتر متهمان در حوزه دادگاه دیگری اقامت داشته باشند؛

ب) محل وقوع جرم از دادگاه صالح دور باشد، به‌نحوی که دادگاه دیگر به‌علت نزدیکی بودن به محل وقوع، آسان‌تر بتواند به موضوع رسیدگی کند (ماده ۴۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری).

## احترام

پذیرفتن، نیک دانستن. قاعده‌ای در فقه تحت عنوان قاعده احترام وجود دارد.

**احترام عمل**

حمایت نمودن از عمل انسان، مورد پذیرش قرار دادن عمل انجام شده و تعیین بهایی برای آن.

**احترام مال**

حمایت نمودن از عمل انسان.

**احتکار**

انباشت مواد و کالاها به منظور فروش بعدی آن‌ها با بهایی بیشتر.

**احتیاط**

رعایت حد وسط، منع افراط و تفریط.

**احتیال**

به معنای حيله‌گری.

**احداث**

ایجاد نمودن، بنا نمودن.

**احراز**

به معنای اثبات شدن، مشخص شدن.

**احسان**

به معنای نیکوکاری، شایستگی. قاعده‌ای تحت عنوان قاعده احسان وجود دارد.

**احسان**

ماده ۲۲۶ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «احسان در هریک از مرد و زن به‌نحو زیر محقق می‌شود:

الف) احسان مرد عبارت است از آنکه دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده از طریق قُبُل با وی در حال بلوغ جماع کرده باشد و هر وقت بخواهد امکان جماع از طریق قُبُل را با وی داشته باشد.

ب) احسان زن عبارت است از آنکه دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل

بوده، با او از طریق قبُل جماع کرده باشد و امکان جماع از طریق قبُل را با شوهر داشته باشد».

### احضار

حاضر نمودن یک مورد یا شخص.

### احضار شهود

حاضر نمودن گواهان در مراجع قضایی.

### احضار متهم

حاضر نمودن متهم در مراجع قضایی.

### أحفاد

احفاد جمع حفید است. احفاد به معنای نوادگان است. طبق ماده ۱۰۴۷ قانون مدنی ازدواج میان این اشخاص ممنوع است؛ بین زن و مردی که سابقاً زن پدر یا زن یکی از اجداد یا زن پسر یا زن یکی از احفاد او بوده است، هر چند قرابت رضاعی باشد (ماده ۱۰۴۷ قانون مدنی).

### احقاق حق

احقاق حق به معنای اجرای حق است. بدین معنا که شخصی از حقی برخوردار است؛ وی می‌تواند در چارچوبی معین آن را اعمال نماید، اجرای حق یا احقاق آن در صورتی که طبق قواعد و ضوابط از پیش تعیین شده انجام شود، مورد حمایت قانون‌گذار است. در صورتی که از احقاق حق شخصی، زبانی به دیگری وارد شود، وی مسئول جبران خسارت وارده نخواهد بود.

همچنین احقاق حق به معنای تکلیفی است که بر عهده یکی از طرفین قرار داده شده است و وی مکلف به انجام آن است. طبق ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی قضات مکلف به احقاق حق و صدور حکم هستند. در مواردی که آن‌ها از انجام چنین عملی استنکاف کنند، مستنکف از احقاق حق شناخته می‌شوند (ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی).

احقاق حق همچنین به معنای رسیدن به حقیقت، کشف آن و صدور رأیی عادلانه است. تبصره ماده ۲۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: در صورتی که احقاق حق متوقف به گواهی (شهادت دادن) باشد و گواه حاضر به اتیان سوگند (بیان قسم) نشود، الزام آن ممنوع است (همچنین ر.ک تبصره ۳ ماده ۱۰۰ همان قانون).

## احکام

به معنی فرمان‌ها و دستورها.

## أحوال شخصیه

مسائل مربوط به امور شخصی اشخاص از قبیل ازدواج، طلاق و ... .

## أحوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه

مسائل مربوط به امور شخصی اشخاص بیگانه از قبیل ازدواج آن‌ها. این امور تابع امور مذهبی آن‌ها است.

## احیای اراضی

ماده ۱۴۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «مراد از احیای زمین آن است که اراضی موات و مباحه را به وسیله عملیاتی که در عرف آباد کردن محسوب است؛ از قبیل زراعت، درخت‌کاری، بنای ساختن و غیره قابل استفاده نمایند».

## احیای موات

ماده ۲۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اموالی که ملک اشخاص نمی‌باشد و افراد مردم می‌توانند آن‌ها را مطابق مقررات مندرجه در این قانون و قوانین مخصوصه مربوطه به هر یک از اقسام مختلفه آن‌ها تملک کرده و یا از آن‌ها استفاده کنند، مباحات نامیده می‌شود؛ مثل اراضی موات یعنی زمین‌هایی که معطل افتاده و آبادی و کشت و زرع در آن‌ها نباشد».

## أخذی

تهدید همراه با مطالبه در اصطلاح أخذی است. وضعیتی است که طبق آن یکی از طرفین از دیگری درخواستی می‌نماید و چنانچه وی به درخواست مزبور جامه عمل نپوشاند، تهدیدش را اجرا خواهد نمود. در قانون مجازات اسلامی اخذی جرم است (ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی) همچنین تهدید به قرارداد آثار مستهجن و اخذی طبق بند «الف» ماده ۵ قانون سمعی و بصری جرم است. در ماده ۱۲۸ قانون جرایم نیروهای مسلح، اخذی جرم شناخته شده است.

## إخطار رفع نقص

إخطار رفع نقص اختطاری است که از جانب دادگاه در خصوص عدم تنظیم صحیح دادخواست صادر می‌شود. توضیح اینکه هر یک از طرفین می‌توانند دادخواست خویش را به دادگاه ارائه دهند.

دادخواست در صورتی که کامل باشد، به جریان می‌افتد و در صورتی که ناقص باشد، با اخطار رفع نقض از جانب دادگاه مواجه می‌شود. کسی که اخطار رفع نقض به وی داده شده است، مکلف است که از آن رفع نقض نماید. در صورتی که رفع نقض را در موعد مقرر انجام دهد، دادخواست جریان پیدا می‌کند و در صورتی که وی در موعد مقرر رفع نقض را برطرف نکند، دادگاه قرار رد دادخواست را صادر می‌کند. در مواردی که شخصی به نیابت از دیگران اقدام به اعلام وکالت می‌کند، اخطارهای رفع نقض به وی ابلاغ خواهد شد. صدور اخطار رفع نقض محدود به موارد خاصی شده است: در مواردی که نشانی خواهان در محل شناخته نشود (ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی)، در مواردی که هزینه دادرسی کمی پرداخت شده باشد یا تمر مالیاتی پرداخت نشده باشد، نام و مشخصات خوانده دقیقاً قید نشده باشد، ادله خواهان به‌نحو دقیق قید نشده باشد و یا خواسته مقوم نشده باشد و... (ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی).

### اخبار

اخبار به اعلام حق اطلاق می‌شود. اخبار وضعیتی است که یکی از طرفین امری را بیان می‌نماید. اخبار فاقد جنبه تأسیسی است. در اخبار مطلبی بیان می‌شود. امری ایجاد نمی‌شود. طبق ماده ۱۲۵۹ قانون مدنی اخبار جنبه اعلامی دارد.

### اُخت

به‌معنای خواهر است.

### اختفاء

به‌معنای پنهان نمودن.

### اختلاس

تحصیل اموال دولتی توسط کارمندان به‌نفع خود عالمماً و عامداً.

### اختلاط

به‌معنی ترکیب و امتزاج.

### اختلاف در صلاحیت

در مواردی که دادگاه‌ها خود را صالح به رسیدگی نمی‌دانند و پرونده را به مرجع دیگر ارجاع می‌دهند و یا در مواردی که خود را صالح به رسیدگی می‌دانند.

## اختلال

ایجاد مشکل و دشواری.

## اختیار

داشتن توانایی انتخاب.

## آخذ

به معنی به دست آوردن، اعمال نمودن، تحصیل کردن.

## آخذ به شُفعه

به اعمال حق شُفعه در اصطلاح آخذ به شُفعه گفته می‌شود. آخذ به شُفعه می‌بایست فوراً انجام شود.

## اخذ کفیل

گرفتن کفیل از شخص (مثلاً پذیرفتن کفیل از شخص توسط دادگاه).

## آخذ وثیقه

گرفتن وثیقه از شخص.

## آخص

به معنای محدودتر.

## اخطار

اخطار به معنای هشدار یا اعلام هشدارآمیز امری است. به طور معمول در مواردی به کار می‌رود که مرجع قضایی یا قانونی امری را به یکی از طرفین اعلام می‌نماید. به طور مثال در مواردی که دادخواست تجدیدنظرخواهی در دعای دیوان عدالت اداری ناقص باشد، شعبه دیوان مکلف است به دادخواست‌دهنده اخطار دهد که مبادرت به رفع نقص آن نماید. در غیر این صورت، قرار رد دعوا را صادر می‌کند (ماده ۶۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان). طبق ماده ۱۱ قانون کار، کارگر و کارفرما می‌توانند دوره‌ای را تحت عنوان دوره آزمایشی تعیین نمایند، در دوره مزبور هر یک از طرفین می‌توانند از این حق برخوردار شوند که رابطه کاری خود را بدون اخطار قبلی قطع نمایند. در مواردی که وکیل استعفاء می‌دهد دادگاه به وکیل یا یکی از اصحاب دعوا

اخطار می‌دهد که دعوا را شخصاً یا توسط وکیل دیگر ادامه دهد (ماده ۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی). در امور کیفری و جزائی، اخطار به معنای هشدار و تذکر معنا شده است؛ همانند اخطار به عدم ارتکاب جرم (ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی)؛ طبق ماده ۶۹۱ قانون مجازات اسلامی، هر شخصی که با زور و اجبار وارد ملکی شود و با اخطار متصرف آن را ترک نکند، به مجازات مقرر در قانون محکوم خواهد شد.

### اخطاریه

برگه‌ای که است که از جانب مراجع قضایی صادر می‌شود و امری را به اطلاع طرفین می‌رساند.

### اخفاء

به معنای پنهان نمودن.

### اخفاء اشیاء مسروقه

ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مقرر می‌دارد: «هرکس با علم و اطلاع یا با وجود قرائن اطمینان‌آور به اینکه مال در نتیجه ارتکاب سرقت به دست آمده است، آن را به نحوی از انحاء تحصیل یا مخفی یا قبول نماید یا مورد معامله قرار دهد، به حبس از شش ماه تا سه سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. در صورتی که متهم معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده باشد، به حداکثر مجازات در این ماده محکوم می‌گردد».

### اخفای وسایل متهم

ماده ۵۵۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هر کس شخصی را که قانوناً دستگیر شده و فرار کرده یا کسی را که متهم است به ارتکاب جرمی و قانوناً امر به دستگیری او شده است مخفی کند یا وسایل فرار او را فراهم کند، به ترتیب ذیل مجازات خواهد شد: چنانچه کسی که فرار کرده محکوم به اعدام یا رجم یا صلب یا قصاص نفس و اطراف و یا قطع ید بوده، مجازات مخفی‌کننده یا کمک‌کننده او در فرار، حبس از یک تا سه سال است و اگر محکوم به حبس دائم یا متهم به جرمی بود که مجازات آن اعدام یا صلب است محکوم به شش ماه تا دو سال حبس خواهد شد و در سایر حالات مجازات مرتکب یک ماه تا یک سال حبس خواهد بود. تبصره - در صورتی که احراز شود فرد فراری دهنده و یا مخفی‌کننده یقین به بی‌گناهی فرد متهم یا زندانی داشته و در دادگاه نیز ثابت شود از مجازات معاف خواهد شد».

## اخلاق حسنه

مجموعه هنجارهای عملی مورد پذیرش جامعه که ریشه فطری، اجتماعی، عقلانی و... دارند و نقض آن‌ها واکنشی اجتماعی را به دنبال دارد.

## اخلال در امنیت و نظم اجتماعی

انجام دادن رفتارهایی که رفاه اجتماعی جامعه را زائل می‌کند.

## اخلال در نظام اقتصادی کشور

انجام دادن رفتارهای که موجب بهم‌ریختگی شرایط اقتصادی جامعه می‌شود.

## اخلال در نظم دادگاه

انجام دادن اعمالی که نظم دادگاه را بر هم می‌زند. ماده ۱۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند دستور اخراج اشخاصی را که موجب اختلال نظم جلسه شوند با ذکر نحوه اختلال در صورت جلسه صادر کند و یا تا بیست و چهار ساعت حکم حبس آنان را صادر نماید. این حکم فوری اجرا می‌شود و اگر مرتکب از اصحاب دعوا یا وکلای آنان باشد به حبس از یک تا پنج روز محکوم خواهد شد».

## احوال

دایی و خاله.

## اِخْوِه

به معنای برادر و خواهر. این کلمه بیشتر در مبحث ارث به کار می‌رود.

## اداء

به معنای پرداخت نمودن.

## ادارهٔ اموال

مجموعه اعمالی است که برای حفظ و نگهداری اموال و استفاده بهینه از آن‌ها لازم و ضروری است.



## ادارهٔ اموال غیر

مراد از ادارهٔ اموال غیر، وضعیت و حالتی است که طبق آن شخصی اموالی متعلق به دیگری را اداره می‌نماید. از نظر قانونی، اصولاً هیچ شخصی حق ندارد اموال دیگران را بدون اذن مالک تصرف و یا اداره نماید. با این وجود، در مورد خاصی قانون‌گذار اختیار ادارهٔ اموال فصولی متعلق به غیر را داده است. مادهٔ ۳۰۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اگر کسی اموال غایب یا محجور و امثال آن‌ها را بدون اجازه مالک یا کسی که حق اجازه دارد اداره کند، باید حساب زمان تصدی خود را بدهد در صورتی که تحصیل اجازه در موقع مقدور بوده یا تأخیر در دخالت موجب ضرر نبوده است حق مطالبهٔ مخارج نخواهد داشت؛ ولی اگر عدم‌دخالت یا تأخیر در دخالت موجب ضرر صاحب مال باشد، دخالت‌کننده مستحق اخذ مخارجی خواهد بود که برای اداره کردن لازم بوده است».

## ادای توضیحات

بیان نمودن پاره‌ای از اطلاعات پیرامون برخی امور.

## ادعا

به هرگونه بیان مطلب یا امر که به نفع گوینده و به ضرر دیگری باشد، ادعا گفته می‌شود.

## اعادهٔ اعتبار

در فرضی که تاجر یا بازرگانی دچار ورشکستگی شود، وی حق دخالت در اموال و حقوق مالی خود را از دست می‌دهد. با این وجود، از منظر قانون تجارت، این امکان به تاجر ورشکسته داده شده که تحت شرایطی (با امضای قرارداد ارفاقی تحت مدیریت و نظارت مدیر تصفیه) از حالت ممنوعیت انجام معامله خارج شود و اعادهٔ اعتبار پیدا نماید همچنین در مواردی که تاجر ورشکسته تمامی دیون و بدهی‌های خود را می‌پردازد، اعادهٔ اعتبار حاصل خواهد شد.

مادهٔ ۵۶۱ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «هر تاجر ورشکسته که کلیهٔ دیون خود را با متفرعات و مخارجی که به آن تعلق گرفته است کاملاً بپردازد، حقاً اعاده اعتبار می‌نماید».

در مادهٔ ۵۶۵ قانون تجارت می‌خوانیم: «تاجر ورشکسته در دو مورد ذیل پس از اثبات صحت عمل در مدت پنج سال از تاریخ اعلان ورشکستگی می‌توانند اعتبار خود را اعاده نمایند: ۱. تاجر ورشکسته که تحصیل قرارداد ارفاقی نموده و تمام وجوهی را که به‌موجب قرارداد به عهده گرفته است پرداخته باشد. این ترتیب در مورد شریک شرکت ورشکسته که شخصاً تحصیل قرارداد ارفاقی جداگانه نموده است نیز رعایت می‌شود؛ ۲. تاجر ورشکسته که کلیه طلبکاران ذمه او را

بری کرده یا به اعاده اعتبار او رضایت داده‌اند».

### ادعای جدید

هر نوع ادعایی که (در دادگاه) پس از ادعای اولیه مطرح شود، ادعای جدید است. در صورتی که پرونده‌ای در دادگاه مطرح شود و یکی از طرفین اختلاف، ادعایی را مطرح نمایند؛ به ادعای مزبور ادعای جدید گفته می‌شود. این ادعا در پروندهٔ جداگانه‌ای قابل طرح خواهد بود. مادهٔ ۳۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «ادعای جدید در مرحله تجدیدنظر مسموع نخواهد بود؛ ولی موارد زیر ادعای جدید محسوب نمی‌شود:

۱. مطالبهٔ قیمت محکوم‌به که عین آن، موضوع رأی بدوی بوده و یا مطالبهٔ عین مالی که قیمت آن در مرحلهٔ بدوی مورد حکم قرار گرفته است.
۲. ادعای اجاره بها و مطالبهٔ بقیه اقساط آن و اجرت‌المثل و دیونی که موعد پرداخت آن در جریان رسیدگی بدوی، رسیده و سایر متفرعات از قبیل ضرر و زیان که در زمان جریان دعوا یا بعد از صدور رأی بدوی به خواسته اصلی تعلق گرفته و مورد حکم واقع نشده یا موعد پرداخت آن بعد از صدور رأی رسیده باشد.
۳. تغییر عنوان خواسته از اجرت‌المسمی به اجرت‌المثل یا بالعکس».

### ادعای جعلیت

ادعای جعلی بودن.

### ادغام

به هم پیوند دادن دو یا چند امر در امری واحد، در اصطلاح ادغام گفته می‌شود. در مواردی که چند شیء یا عامل متعدد و پراکنده وجود دارد. این امکان به موجب قانون داده شده تا مبادرت به اتحاد و اجتماع آن‌ها داده شود، به چنین فرآیندی ادغام گفته می‌شود. در این حالت، قواعد حاکم بر آن شیء ادغام یافته در این خصوص حاکم است.

مادهٔ ۱۰ قانون تأمین اجتماعی مقرر می‌دارد: «تاریخ اجرای این قانون سازمان بیمه‌های اجتماعی و سازمان بیمه‌های اجتماعی روستائیان در سازمان بیمهٔ تأمین اجتماعی ادغام می‌شوند و کلیهٔ وظایف و تعهدات و دیون و مطالبات و بودجه و دارایی و کارکنان آن‌ها با حفظ حقوق و سوابق و مزایای استخدامی خود که تا تاریخ تصویب و اجرای آئین‌نامه موضوع ماده ۱۳ این قانون معتبر خواهد بود به سازمان منتقل می‌گردند».

مادهٔ ۱۲ قانون کار مقرر می‌دارد: «هر نوع تغییر حقوقی در وضع مالکیت کارگاه، از قبیل

فروش یا انتقال به هر شکل، تغییر نوع تولید، ادغام در موسسه دیگر، ملی شدن کارگاه، فوت مالک و امثال این‌ها، در رابطه قراردادی کارگرانی که قراردادشان قطعیت یافته است، مؤثر نیست و کارفرمای جدید، قائم‌مقام تعهدات و حقوق کارفرمای سابق خواهد بود».

## ادله

جمع دلایل است. مجموعه نشانه‌ها، امارات، قرائن و ...

## ادله اثبات

دلایل اثبات‌کننده یک امر.

## ادله اثبات دعوی

به دلایلی که برای اثبات ادعا مورد استفاده قرار می‌گیرند، اصطلاحاً ادله اثبات دعوا گفته می‌شود. در واقع، ادله اثبات دعوا دلایلی هستند که طرفین دعوا برای اثبات ادعای خویش در دادگاه به آن‌ها استناد می‌نمایند. در امور حقوقی، این ادله عبارت‌اند از: اقرار، اسناد، امارات، سوگند و شهادت. (ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی) تحقیق محلی، کارشناسی، معاینه محلی (مواد ۲۴۸ به بعد). ادله اثبات دعوا در امور کیفری عبارت‌اند از اقرار، شهادت، سوگند، قسامه و علم قاضی (ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی).

## ادواری

به‌معنای غیر دائمی.

## اذن

اذن، رضایت به انجام دادن یک عمل پیش از انجام آن است. رضایت به انجام دادن آن پس از انجام آن، اجازه است. در مواردی خاص قانون‌گذار انجام دادن برخی امور را منوط به کسب رضایت و اذن مقامات دولتی نموده است. طبق ماده ۲۸ قانون مدنی اموال مجهول‌المالک با اذن حاکم یا مأذون از جانب وی به مصرف فقرا می‌رسد؛ همچنین متولی مال موقوفه نمی‌تواند اداره مال وقف شده را به دیگری واگذار نمایند؛ مگر اینکه در ضمن وقف به او اذن داده شده باشد.

امکان رجوع نمودن (در هر زمان ممکن) از اذن وجود دارد. به عبارت دیگر، هر شخصی می‌تواند از اذن اعطاء شده رجوع نماید. ماده ۱۰۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «در تمام مواردی که انتفاع کسی از ملک دیگری به‌موجب اذن محض باشد، مالک می‌تواند هر وقت بخواهد از اذن خود رجوع کند؛ مگر اینکه مانع قانونی موجود باشد». ماده ۱۰۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اگر

صاحب دیوار به همسایه اذن دهد که بر وی دیوار او سر تیر بگذارد یا روی آن بنا کند هر وقت می‌تواند از اذن خود رجوع کند؛ مگر اینکه به وجه ملزومی این حق را از خود سلب کرده باشد». در امور کیفری اذن دارای همان معنای امور حقوقی است. ماده ۴۱۷ قانون مجازات اسلامی اجرای حکم قصاص را با اذن مقام معظم رهبری یا نماینده او می‌داند؛ همچنین طبق ماده ۴۲۱ قانون مجازات اسلامی، هرگاه کسی قاتل را بدون اذن ولی مقتول قصاص کند، مستوجب قصاص خواهد شد. فقدان اذن نه تنها موجب مسئولیت مدنی می‌شود بلکه از اسباب پیدایش مسئولیت کیفری نیز است.

### اراده

قصد و رضا انجام اعمال حقوقی.

### اراده انشائی

قصد واقعی و حقیقی برای انجام عمل حقوقی.

### اراضی

به معنای زمین‌ها است.

### اراضی موات

زمین‌های غیر آباد بدون مالک.

### ارائه مفاسد حساب مالیاتی

تسلیم نمودن مدارکی که نشان دهنده عدم‌بدهی مالیاتی است.

### ارتداد

خارج شدن از دین اسلام.

### ارتشاء

پرداخت وجه یا امتیاز مالی یا سندی به مأمورین دولتی و کارمندان برای عدم انجام وظایف قانونی.

### ارتفاق

حقی است که مالک ملکی در ملک مجاور در مواردی خاص دارد.

## ارث

انتقال اموال متوفی به وارثان بعد از فوت.

## ارش

مابه‌التفاوت صحیح و معیوب در اصطلاح ارش گفته می‌شود. ارش مبلغی است که شخص متضرر در خصوص مابه‌التفاوت سالم و غیرسالم آن را دریافت می‌کند. استحقاق متضرر به دریافت ارش در دو مورد است:

اول) در امور حقوقی، ارش دربارهٔ خیار عیب استفاده می‌شود. توضیح اینکه این احتمال وجود دارد که شخصی کالایی را مورد معامله قرار می‌دهد و متعاقباً مشخص می‌شود که آن کالا معیوب است. متضرر می‌تواند دو اقدام را انجام دهد: الف) قرارداد را فسخ کند و بها را مطالبه کند و یا قرارداد را فسخ نکند و مابه‌التفاوت را مطالبه کند. نحوهٔ محاسبهٔ ارش نیز بدین صورت است که قیمت حقیقی کالا در بی‌عیبی و قیمت حقیقی آن در حالت معیوبی توسط کارشناس اعلام می‌شود؛ اگر قیمت آن در حالت بی‌عیبی مساوی با قیمتی باشد که در زمان قرارداد بین طرفین مقرر شده است؛ تفاوت بین این قیمت و قیمت مورد معامله در حالت معیوبی ارش خواهد بود. چنانچه قیمت مورد معامله در حالت معیوبی کم‌تر یا زیادتر از ثمن معامله باشد؛ نسبت میان قیمت کالای فروخته شده در حالت معیوبی و قیمت آن در حالت بی‌عیبی معین می‌شود و فروشنده از بهای توافقی آن را کسر و مابقی را به مشتری پس می‌دهد (مادهٔ ۴۲۷ قانون مدنی). دوم) در امور کیفری به دیهٔ نامعین در اصطلاح ارش گفته می‌شود (مادهٔ ۵۵۹ قانون مجازات اسلامی). به‌طور مثال کندن موی سر مرد در صورتی که نروید، دیهٔ کامل دارد و در صورتی که بروید، نسبت به موی سر ارش خواهد داشت (مادهٔ ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی).

## ارش البکاره

مبلغی است که به زن برای برداشتن بکارت در موارد زنا یا اجبار و یا در حکم آن پرداخت می‌شود. در مواردی که مرد با عمل جنسی مجرای بول و غائط زن را از میان بر دارد؛ در صورت برداشتن بکارت، علاوه بر دیهٔ کامل و مهرالمثل مکلف به پرداخت ارش البکاره است (مواد ۲۳۱ و ۶۶۴ قانون مجازات اسلامی).

## ارش جزائی

خسارتی است که در امور کیفری برای دیهٔ نامعین در نظر گرفته می‌شود.

## ارعاب

به معنی ترس و وحشت است. در برخی موارد، قانون‌گذار ایجاد ترس را شرط تحقق امری تشدید مجازات دانسته است. در برخی موارد، صحت و اعتبار امری را منوط به عدم وجود ترس و وحشت دانسته است، محاربه عبارت است از کشیدن سلاح به قصد جان، مال، ناموس مردم یا ارعاب آن‌ها (ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی). کشیدن اسلحه بر روی دیگری، در صورتی که موجب ارعاب شخص شود، موجب ایجاد مجازات‌هایی از قبیل قصاص یا دیه است (ماده ۵۰۱ قانون مجازات اسلامی).

ملاک شناسایی ارعاب و ترس، شرایط شخصی فرد است. این احتمال وجود دارد امری موجب رعب و وحشت شخصی نشود و این احتمال وجود دارد که همان امر موجب ایجاد رعب و وحشت دیگری شود.

## از کار افتادگی

سلب توانایی‌های فیزیکی، جسمی، فکری و ... .

## ازاله

ازاله، به معنای زدودن و از بین بردن است. نابودی و زوال یک امر صرفاً در مواردی امکان‌پذیر است که قانون‌گذار چنین اختیاری را داده باشد. در غیر این صورت، موجب مسئولیت مدنی و کیفری فاعل می‌شود. در قرارداد مزارعه در صورتی که زرع و کشت نرسیده باشد و مدت و مهلت قرارداد تمام شود، مزارع می‌تواند کشت و زرع را ازاله کند و یا با اخذ اجرت آن را نگه دارد (ماده ۵۴۰ قانون مدنی). ازاله بکارت غیر همسر جرم است و موجب مسئولیت کیفری فاعل است (مواد ۶۶۸، ۶۵۹ و ۶۵۸ قانون مجازات اسلامی).

## ازدواج

پیوند میان دو غیر همجنس (پسر و دختر) برای ایجاد رابطه زوجیت و تشکیل خانواده اصطلاحاً ازدواج نامیده می‌شود. در متون قانونی تحت عنوان عقد نکاح، علقه زوجیت و... یاد شده است. در عقد نکاح طرفین می‌بایست غیر همجنس باشند و ازدواج میان دو همجنس به رسمیت شناخته نشده است. ازدواج می‌تواند دائم و موقت باشد. در قوانین و مقررات هر جا سخن از ازدواج به میان آورده شود، معمولاً مراد ازدواج دائم است.

## ازدواج مجدد

ایجاد پیوند زناشویی با وجود همسر.

## اساس

ملاک.

## اساس تطبیق

یکی از راه‌های شناسایی اصالت سند مقایسه آن با دیگر اسناد است. این امر توسط کارشناس انجام می‌شود.

## اساسنامه

اساسنامه سندی است که در زمان تأسیس شرکت تنظیم می‌شود و در بردارنده مطالبی از قبیل حدود و اختیارات مدیران، تصمیمات ارکان شرکت، عملکرد بازرسان، انتقال سهام یا سهم‌الشرکه و... است.

## اسباب تملک

مراد از اسباب تملک، مواردی است که اشخاص می‌توانند طبق قانون مبادرت به ورود مال در مالکیت خویش نمایند. در واقع، اسباب تملک، اسباب و جهاتی هستند که قانون‌گذار در اختیار افراد قرار داده است که با اتکا به آن‌ها مبادرت به تملک اموال نمایند. این اسباب در ماده ۱۴۰ قانون مدنی منعکس شده است. در این ماده می‌خوانیم: «تملك حاصل می‌شود:

۱. به احیای اراضی موات و حيازت اشیاء مباحه؛

۲. به وسیله عقود و تعهدات؛

۳. به وسیله اخذ به شفعه؛

۴. به ارث.»

## اسباب سقوط تعهد

در قانون مدنی ایران مواردی تحت عنوان اسباب سقوط تعهدات تبیین شده است. این موارد عبارت‌اند از: وفای به عهد، اقاله، ابراء، تهاتر، تبدیل تعهد، مالکیت ما فی‌الذمه (ماده ۲۶۴ قانون مدنی) با تحقق این موارد، تعهد از میان می‌رود و طلبکار اصولاً نمی‌تواند طلب خود را مطالبه نماید. در خصوص ذکر یا عدم‌ذکر این موارد تحت عنوان اسباب سقوط تعهدات میان حقوق‌دانان

اختلاف نظر وجود دارد و بعضی معتقدند پاره‌ای از موارد مذکور (همانند اقاله و وفای به عهد) نمی‌توانند از اسباب سقوط تعهدات باشند.

## اسباب ضمان

مواردی است که موجب ایجاد مسئولیت می‌شود.

## استحقاق مطالبه

مراد از استحقاق مطالبه، شایستگی و قابلیت تقاضا نمودن امری از منظر قانونی است. توضیح اینکه هنگامی که خسارتی به شخص وارد می‌شود و یا شخصی زبانی را مطالبه می‌نمایند، او اصولاً مستحق دریافت خسارت نیست؛ مگر اینکه قانوناً شرایط و ضوابط مطالبه را داشته باشد. به چنین مواردی استحقاق مطالبه گفته می‌شود. ماده ۷۸ قانون شهرداری مقرر می‌دارد: «وجوهی که به نام سپرده یا امانت به شهرداری داده می‌شود باید در حساب مخصوص نگهداری شود و شهرداری به هیچ عنوان حق ندارد در وجوه سپرده و یا امانات دخل و تصرفی نماید.

(الحاقی ۱۳۵۲/۳/۷) - ولی پس از ده سال از تاریخ استحقاق مطالبه در صورت عدم مطالبه ذی‌نفع شهرداری می‌تواند وجوه مطالبه نشده را به درآمد عمومی خود منظور نماید. شهرداری باید هر سال اعتبار متناسبی در بودجه خود برای پرداخت این قبیل سپرده‌ها منظور نماید تا در صورت مراجعه ذی‌نفع یا قائم‌مقام قانونی او و احراز استحقاق از اعتبار مزبور پرداخت شود. هرگاه این اعتبار کافی نباشد، شهرداری مکلف است این قبیل وجوه را از درآمد جاری خود بپردازد».

## استخدام

به خدمت گرفتن.

## استرداد

پس گرفتن و عودت شیء، مال، درخواست و یا هر مسئله دیگر در اصطلاح استرداد گفته می‌شود. استرداد در مواردی استفاده می‌شود که شخصی مال را به دیگری بدهد و وی مکلف به برگرداندن آن به اعطاکننده باشد. طبق ماده ۲۶۵ قانون مدنی در صورتی که شخصی مالی را به دیگری بدهد بدون آنکه بدهکار وی باشد، حق استرداد آن را دارد. همچنین در مواردی که مشتری دچار ورشکستگی شود و کالا نزد وی موجود باشد، فروشنده می‌تواند آن را استرداد نماید (ماده ۳۸۰ قانون مدنی).